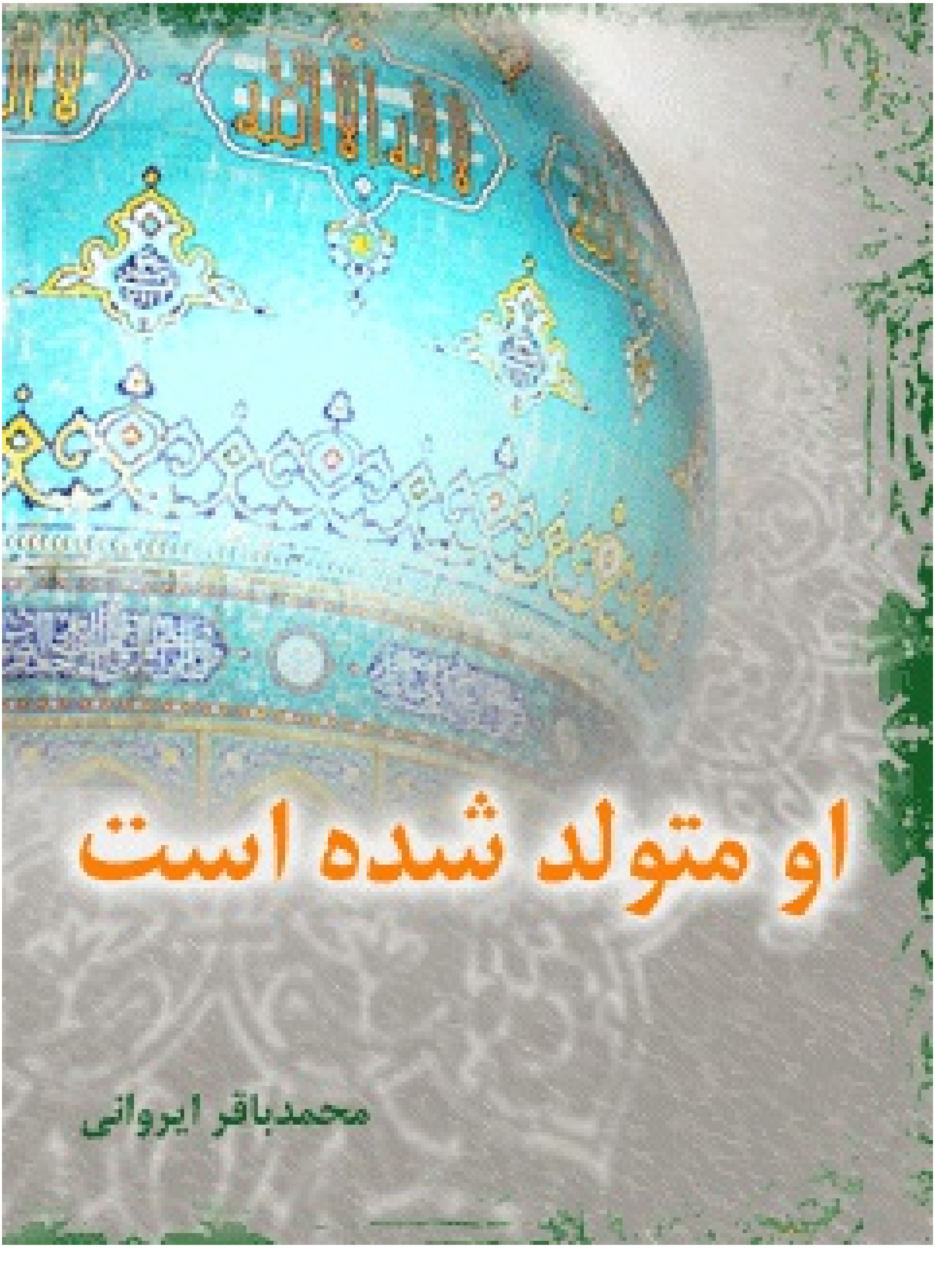

او متولد شده است
محمدباقر ایروانی

بسم الله الرحمن الرحیم

او متولد شده است

نویسنده:

محمد باقر ایروانی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیهالسلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

او متولد شده است

مشخصات کتاب

نویسنده:محمد باقر ایروانی

ناشر:بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

مقدمه

درباره‌ی ولادت حضـرت بقیهٔ الله (عج) دوگونه شـبهه شده است. برخی گفته‌اند، آن حضرت به دنیا نیامده است و چنین شخصی به دنیا هم نخواهـد آمـد. از دیـد اینان، «ظهور منجی» یک ایده‌ی محقّق ناشدنی است.بعضـی دیگر گفته‌اند، آن حضـرت، هنوز متولّد نشـده است و در آینـده، به دنیا خواهـد آمد.این نوشـتار، به هر دو شـبهه، از طریق تواتر احادیث مهدوی و حساب احتمالات، پاسـخ داده است.آنگاه که هستی آفرین گل آدمی بسـرشت و فرزنـدان آدم بر زمین منزل گزیدنـد تبار او با گـذشت روزگار رو به فزونی نهـاد امّـا در این میـان ایزد دادار نیکـان و پاکـان خود را از بین همین مردمان برگزیـد تا دسـتگیر خلقش بوده و آنان رهنمون‌گر راه هدایت باشـند که از میان این نیک مردان گُلِ سـر سـبد هستی را به عنوان آخرین هدایتگر خود بر مردمان قرار داد که سلسله جنبان راه هـدایت تا همیشه روزگار باشد. پس از افول زندگانی پُر از نور آن چراغ هدایت مشـعل راه نجات به دست سـکّان داران کشتی نجات سپرده شـد، دوازده سـتاره پر فروغ که به نوبت در ظلمات نمایانگر راه نجات و هـدایت و سـیراب گر تشـنگان معرفت بودند، افسوس که شب پرّه‌هـا را تـاب نورافشـانی خورشـید نبود و هر از چنـد گـاهی چراغی را خـاموش کرده تـا دوازدهمین نور روشـنگر خدایی به خواست پروردگار در پس ابر نهان شد تا تشـنگان را بر او چنان نیاز اُفتد که چون ماهی بیرون افتاده از آب برای وصالش بی تاب و بی‌قرار شونـد. و مشـتاقانه چشم بر پدیدار شدن او داشـته باشـند تا به راستی و پاکی او را یاری کرده و گردن طاعت بر او فرو آورنـد.خداونـد تبارک و تعالی در قرآن کریم می‌فرماید:«یریدون لیطفؤوا نورالله بأفواههم والله متمُّ نوره و لو کره الکافرون» [۱] .از زوایا و ابعاد گوناگونی می‌توان به مقوله‌ی مهدویّت نگریست. مسئله‌ی ولادت حضرت مهدی(عج) یکی از آن جهات است که در این نوشتار، در صدد اثبات آن و پاسخ به شبهات مطرح شده در این باره هستیم.

انواع شبهه درباره‌ی ولادت حضرت

اشاره

درباره‌ی ولادت حضـرت مهدی‌علیه السلام از دو جهت شبهه وارد شده است:۱- عدّه‌ای این گونه شـبهه کرده‌اند که منجی موعود، پا به عرصه گیتی نگذاشـته و به دنیا هم نخواهـد آمـد و پدیـدار شدن یک منجی در آینده و اصـلاح عالم به دست او، قابل پذیرش نیست و چنین ایـده‌ای محقّـق نمی‌شود.۲- عـدّه‌ای، اسـاس ایـده‌ی مهـدویّت را فی الجمله پذیرفته‌انـد، ولی بر این عقیده‌انـد که امام مهـدی‌علیه السـلام هنوز متولّـد نشـده و آن هنگام که مصلحی پدیدار شود تا اساس ظلم به دسـتان‌اش برچیده شود، ایده‌ی موعود، محقّق می‌شود.

شبهه در اصل مهدی باوری

همه‌ی مسـلمانان، بر بطلان چنین شـبهه‌ای، وحدت نظر دارند و امامیّه و غیر امامیه، بر ظهور مردی در آخر الزمان که اصلاح عالم را

به ارمغان آورد، متّفق هستند.آیات و مجموعه‌ی زیادی از روایات نیز بر این مسئله، تصریح دارند.آیات‌پنج یا شش آیه، در اصل اعتقاد به مهدویّت ظهور دارد و نیازی به تفسیر از جانب اهل‌بیت‌علیهم السلام نیست. [۲] در این جا، به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:«یریدون لیطفؤوا نور الله بأفواههم والله متمّ نوره»؛می‌خواهند نور خدا را با دهان‌شان خاموش کنند و حال آن که و خداوند، نور خود [اسلام] را تمام می‌کند.این بخش از آیه، پیامی از جانب خداوند هستی بخش است که نور خود را بر سر تا سر این کره‌ی خاکی می‌گستراند. مصداق این بشارت، تا حال، واقعیّت نیافته و از آن جا که امکان ندارد، خداوند خبر خلاف واقع دهد، باید روزی این نوید و بشارت صورت پذیرد. و تحقق آن، تنها، به دست امام مهدی(عج) است: بنابراین، این آیه، بدون نیاز به تفسیر روایی، به مطلب تصریح دارد.«و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر أنّ الأرض یرثها عبادی الصالحون»؛یقیناً، بعد از ذکر، در زبور نوشتیم که بندگان صالح، زمین را به ارث می‌برند.مراد از ارض، تمام زمین بوده و بندگان صالح، تا حال، وارث همه‌ی زمین نشده‌اند. پس بایسته است که این واقعیّت، در آینده، تحقّق یابد و وقوع این [مشیّت] جز به دست مهدی منتظر (عج)، محتمل نیست.این آیات و سایر آیات، بر اصل مهدی باوری دلالت دارند.گفتنی است که این آیات، بر تولّد امام مهدی(عج) و پنهان بودن ایشان از دیدگان، دلالتی ندارند، بلکه تنها تصریح دارند که این نوید و بشارت، روزی واقعیّت یافته و بندگان صالح، وارث تمام زمین می‌شوند؛ زیرا، این نوید با تولد منجی مصلح در آینده نیز می‌سازد.روایات‌احادیث پر شماری در باره‌ی اصل ایده‌ی مهدویت و وقوع این ارمغان و امید، موجود است، هر چند بر تولّد امام مهدی(عج) دلالتی ندارند.این روایات، مورد پذیرش اهل سنّت نیز واقع شده‌اند. آنان، با توجّه به این روایات درباره‌ی حضرت مهدی موعود(عج) و ظهور شخصی در آینده به این نام، کتاب‌ها نوشته‌اند. ما، بیش از سی کتاب از آنان را گرد آورده‌ایم.اینک، به دو روایت از آن روایات، اشاره می‌کنیم.۱- پیامبر اکرم فرمودند:«لا تذهب الدنیا حتّی یملک العربَ رجل من أهل بیتی یواطیء اسمه اسمی» [۳] .۲- پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم فرمود:«لاتقوم الساعةُ حتّی تملأ الأرض ظلماً و جوراً و عدواناً ثم یخرج من أهل‌بیتی مَن یملأها قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً.». [۴] و [۵] .از جمله مهدی باوران غیر شیعی، می‌توان از ابن تیمیّه و ابن حجر [۶] و عبدالعزیز بن باز نام برد. بن باز (مفتی اعظم عربستان)، در مجله‌ی الجامعهٔ یادآور می‌شود که اعتقاد به امام مهدی(عج) و روایات آن، صحیح بوده و شایسته نیست چنین اندیشه‌ای انکار شود.

تردید در ولادت

ممکن است کسی بگوید: «ما، اصل اعتقاد به امام مهدی(عج) و پدیدار شدن موعودی در آینده را می‌پذیریم ولی لازم نیست این موعود، همان امام مهدی(عج) باشد که تولد یافته و از دیدگان پنهان است.چه بسا، آن مهدی منتظر، در آینده، پا به گیتی گذاشته و غیبتی در کار نباشد. پس وقوع ولادت حضرت، چه گونه ثابت می‌شود؟».هدف از این نوشتار، اثبات ولادت حضرت است. برای اثبات آن، تلاش می‌شود که ولادت امام مهدی(عج) از طریق تواتر و حساب احتمالات ثابت شود.

چهار قضیه‌ی مهم برای اثبات ولادت امام مهدی

اشاره

به عنوان مقدمه، ابتدا، چهار قضیّه‌ی مهم را تبیین می‌کنیم.

تواتر

برای اثبات هر مسئله‌ای، دو راه وجود دارد: ۱- تواتر؛ ۲- حساب احتمالات.تواتر، بدین معنا است که انبوه زیادی از راویان، از یک مسئله خبر دهند، به گونه‌ای که احتمال اجتماع و تبانی آن‌ها بر کذب، محال باشد. اگر دویست یا سیصد تَن که در مواقف و مواطن مختلفی به سر می‌برند، روایتی نقل کنند، وقوع توافق آنان بر کذب، ممکن نیست. چنین خبری را خبر متواتر می گویند.

حساب احتمالات

اگر یک یا چند نفر، خبری را حکایت کنند، این خبر، متواتر نیست، ولی اگر به انحای مختلف، شواهدی به آن ضمیمه شود، بر طبق حساب احتمالات، به سبب آن قرائن، قطع حاصل می‌شود.به عنوان مثال، شخصی، به بیماری صعب العلاجی دچار شده است و فردی به ما پیام می‌رساند که «ایشان، شفا یافته است.». با این خبر، تا سی در صد، احتمال بهبود مریض حاصل می‌شود، ولی اگر شواهد و قرائنی به آن ضمیمه شود، ارزش احتمال، از سی در صد به چهل یا پنجاه درصد یا... می‌رسد. این قرینه، می‌تواند این باشد که مثلاً ـ او، دیگر از دوا استفاده نمی کند و یا این که شاد و خندان است و...این خبر، در حقیقت، خبر متواتر نیست، ولی به سبب حساب احتمال و ضمیمه کردن قرائن، ارزش احتمال، قوّت گرفته و یقین حاصل می‌شود.در خبر متواتر، عادل بودن و وثاقت راوی، ضروری نیست. حال اگر یک یا چند نفر حکایتی نقل کنند، حجّیت این خبر، مشروط به عدالت راوی است، ولی اگر صد یا دویست یا سیصد تن، قضیه‌ای را حکایت کنند، لازم نیست که راویان عادل باشند؛ زیرا، خبر متواتر، به دلیل کثرت راویان، افاده‌ی یقین کرده است و بعد از حصول قطع، هدف و مقصودی دیگر باقی نمی‌ماند. ما، عدالت را برای به دست آوردن یقین می‌خواهیم، وقتی یقین حاصل شد، شرط عدالت لزومی ندارد.با عنایت به این مطالب، تردید و ابهام‌آفرینی در روایات دلالت کننده بر ولادت امام مهدی(عج) و مسائل مرتبط با حضرت، شایسته نیست و نمی‌توان گفت: «سند این روایت، ضعیف است» و یا «راویان، مجهول هستند» و یا...آری، اگر تعداد روایات، محدود بود، این خدشه‌ها وارد است، امّا از آن جا که احادیث درباره‌ی حضرت مهدی(عج) متواتر و مستفیض است، نباید در آن‌ها مناقشه کرد.

قدر مشترک این احادیث

ممکن است مجموعه‌ای از روایات، در خصوصیّات و تفاصیل، با هم متفاوت باشند، ولی از یک زاویه، مدلول همه‌ی آن‌ها یکی باشد. مثلاً افراد بی‌شماری، از بهبود مریضی خبر می‌دهند، ولی یکی از آنان از شفای مریض در ساعت یک، و دیگری از بهبود او در ساعت دو، و سومی از بهبود مریض در ساعت سه خبر می‌دهد.اگر چه خبر این راویان، در جزئیات یکی نیستند، ولی همه، از جهت بهبود مریض، متحد هستند که در این صورت، شفای مریض، برای ما ثابت می‌شود؛ زیرا، هر یک از این خبرها، در حقیقت، دو خبر هستند: خبر نخست، شفای مریض است و خبر دوم، زمان شفای او است. خوب می‌نگریم، می‌فهمیم که همه‌ی آنان در شفا یافتن فلان فرد، متفق هستند، هر چند در زمان آن اختلاف دارند.اگر روایات پر شماری، از یک زاویه، بر جریان معیّنی، اتّفاق داشته باشند، نسبت به آن مسئله، یقین حاصل می‌شود، هر چند این اخبار، در سایر تفاصیل و خصوصیات، با هم تمایز داشته باشند. پس شایسته نیست در احادیث میلاد امام مهدی علیه السلام مناقشه کرد و گفت: «این روایات، در تفاصیل، با هم اختلاف دارند. در این احادیث، گاه، مادر امام مهدی(عج) «نرجس» و گاه «سوسن» نامیده شده، و یک بار خبر از تولّد یافتن حضرت علیه السلام در این شب و بار دیگر از به دنیا آمدن امام(عج) در شب دیگر حکایت کرده‌اند و یک روایت نقل می کند که امام علیه السلام، در فلان سال به دنیا آمده و روایت دوم، خبر از متولّد شدن حضرت (عج) در سالی دیگر می‌دهد. پس با توجّه به اختلاف‌ها، شایسته نیست به آن‌ها تمسک شود؛ زیرا، متواتر و مورد پذیرش نبوده و در اثبات تواتر و تحصیل علم به ولادت حضرت، سودی نمی‌رسانند.»؛ زیرا، این روایات، از جهت تصریح به ولادت امام(عج) با هم مشترک‌اند و تفاوت آن‌ها در سایر شاخصه‌ها و ویژگی‌ها است.

اجتهاد در مقابل نص

شایسته نیست کسی در مقابل نص، اجتهاد شخصی کند. پس اگر متن روایتی، دلالت صریح بر چیزی داشته باشد و از حیث سند هم تام باشد، نباید کسی در آن مسئله، اجتهاد شخصی کند.خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید:«وأقیموا الصلاة وآتوا الزکاة».کاملاً روشن است که این آیه، طلب اقامه‌ی نماز و پرداخت زکات را می‌کند، حال اگر کسی بگوید: «این آیه اقامه‌ی نماز را طلب نمی‌کند و...» سخنی بر خلاف نصّ صریح رانده است و او، چنین حقّی را ندارد.بله، در این که آیا این درخواست، درخواستی وجوبی است یا امری استحبابی می‌تواند اجتهاد کند؛ زیرا، وجوب و استحباب، در این آیه، ظاهر و نصّ نیست.احادیث امام مهدی علیه السلام، نیز این چنین است و اجتهاد شخصی بر نمی‌دارد؛ زیرا، دلالت این روایات، واضح و صریح‌اند و از حیث سند هم متواتر. زمانی می‌توان اجتهاد کرد که دلالت روایت، صریح نباشد و سند آن، اشکال داشته باشد.

عوامل یقین آور

احادیث عمومی

اشاره

عامل نخست، احادیث پرشماری است که از مسلّمات بین امامیه و غیر امامیه شمرده می‌شود. در این احادیث، هر چند نام حضرت نیامده است، امّا دلالت بر ولادت حضرت دارند.

حدیث ثقلین

این روایت، میان امامیه و برادران اهل سنّت، متواتر است و سند آن، قابل خدشه نیست. پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله وسلم این حدیث شریف را در مواقف و مواطن متعدّدی، از جمله حجهٔالوداع، بازگو کرده است. اختلافاتی که در بعضی الفاظ حدیث دیده می‌شود، برگرفته از گوناگونی مواقف صدور حدیث است.حدیث ثقلین، چنین است:إنّی تارك فیکم الثقلین: کتاب الله و عترتی أهلَ بیتی. أحدهما أکبر من الآخر. و لن یفترقا حتّی یردا علیَّ الحوضَ؛ [۷] .من، در میان شما، دو چیز گران بها به جای می‌گذارم: کتاب خدا و عترتم، اهل بیت‌ام. یکی از آن دو، از دیگری بزرگ‌تر است. این دو، از هم جدا نمی‌شوند تا زمانی که در حوض، بر من وارد شوند.جمله‌ی «لن یفترقا حتّی یردا علیَّ الحوضَ» بر استمرار همراهی اهل بیت‌علیهم السلام با قرآن کریم دلالت دارد و این پیوستگی در همراهی، جز با فرض تولّد یافتن حضرت‌علیه السلام و پنهان بودن ایشان از دیدگان، امکان ندارد؛ زیرا، اگر حضرت‌علیه السلام، در آینده تولّد یابد، می‌باید در این زمان، قرآن، از اهل بیت‌علیهم السلام جدا باشد. و حال آن که پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم فرموده است، این دو از هم جداناشدنی هستند.دلالت این حدیث بر ولادت امام مهدی(عج) روشن است. این حدیث، از آغاز، در شأن امام مهدی(عج) وارد نشده و برای موضوع دیگری آمده است، ولی التزاماً، ولادت امام مهدی‌علیه السلام از آن استفاده می‌شود.اشکال: امام مهدی‌علیه السلام هنوز متولد نشده و آن هنگام که رجعت فرا رسد و امام عسکری‌علیه السلام بار دیگر پا به این جهان گذارد موعود تولد می‌یابد.بنابراین بین صدق حدیث و عدم ولادت امام(عج) سازگاری ایجاد می‌شود،جواب: لازمه این سخن، جدایی بین اهل بیت و قرآن در زمان قبل از رجعت است زیرا در این هنگام امام مهدی(عج) و اهل بیت واقعیت خارجی نداشته و قرآن از آنها جدا می‌باشد.

حدیث دوازده خلیفه

این حدیث، از مسلّمات میان امامیّه و اهل سنّت است.از اهل سنت، بخاری و مسلم، و از امامیه، شیخ صدوق در کمال الدین این خبر را حکایت کرده‌اند.متن حدیث، این چنین است:جابر بن سمره نقل می‌کند: «با پدرم، به محضر پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله وسلم رسیدیم و شنیدم که می‌فرمایند: «إنَّ هذا لاینقضی حتّی یمضی فیهم إثنا عشر خلیفهٔ.». سپس پیامبر، آهسته سخن گفت. به پدرم گفتم: «پیامبر چه فرمود؟».پدرم گفت: «ایشان می‌فرمایند، همه‌ی آنان، از قریش هستند.». [۸] .برخی تلاش کردند تا این حدیث را بر خلفای راشد و دو یا سه نفر از بنی امیه و دو یا سه نفر از بنی عباس منطبق کنند. چنین تطبیقی، پذیرفته نیست. و تنها مصداق مورد پذیرش خبر غیبی پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله وسلم ائمه‌ی اثنی عشرعلیهم السلام می‌باشند.این حدیث، بر ولادت امام مهدی(عج) دلالت التزامی دارد؛ زیرا، اگر فرض کنیم از حضرت عسکری‌علیه السلام فرزندی به نام مهدی‌علیه السلام متولّد نشده باشد، خلفای حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم، یازده تن خواهند بود و این، یعنی، نادرست گویی از سوی پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم که امری محال است.پس باید وقوع ولادت امام علیه السلام را پذیرفت و در غیر این صورت، این حدیث، مطابقت خارجی ندارد.

حدیث من مات و لم یعرف امام زمانه...

این حدیث هم میان امامیّه و اهل سنّت، از مسلّمات است و همه، آن را روایت کرده‌اند. متن حدیث این چنین است:«مَنْ مات و لم یَعرف إمام زمانه مات میتهً جاهلیّهٔ؛ [۹] .کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، با مرگ جاهلیّت مرده است.»اگر امام مهدی‌علیه السلام هنوز به دنیا نیامده باشد، پس ما، معرفتی از امام زمان مان نداریم و گرفتار مرگ جاهلی شده‌ایم؛ زیرا، بنابراین حدیث، در هر زمان، امامی وجود دارد و لازم است معرفت به او وجود داشته باشد و در صورت متولّد نشدن امام مهدی(عج) چنین شناختی حاصل نمی‌شود.

اخبار خاص

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و امامان معصوم‌علیهم السلام از تولّد فرزندی برای امام حسن عسکری‌علیه السلام خبر می‌دهند که بعد از به دنیا آمدن، از دیدگان پنهان می‌شود و زمین را پر از قسط و عدل خواهد کرد و ایمان به ایشان، برای هر مؤمنی ضروری است.شیخ صدوق، در کمال الدین، این احادیث را در ابواب زیر، تنظیم کرده است:۱- اخبار پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله وسلم از حضرت مهدی (عج) (۴۵ حدیث)؛۲- اخبار امام علی‌علیه السلام از امام مهدی (عج)؛۳- اخبار حضرت زهراعلیها السلام از امام مهدی (عج) (۴ حدیث)؛۴- اخبار امام حسن‌علیه السلام از امام مهدی (عج) (۲ حدیث)؛۵- اخبار امام حسین‌علیه السلام از امام مهدی (عج) (۵ حدیث)؛۶- اخبار امام سجادعلیه السلام از امام مهدی (عج) (۹ حدیث)؛۷- اخبار امام باقرعلیه السلام از امام مهدی (عج) (۱۷ حدیث)؛۸- اخبار امام صادق‌علیه السلام از امام مهدی (عج) (۵۷ حدیث)؛مجموع روایات موجود در کافی و الغیبهٔ و کمال الدین و دیگر کتب، بیش از هزار حدیث است.به عنوان نمونه، یک حدیث از پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله وسلم و دو حدیث از امام صادق‌علیه السلام نقل می‌کنیم.۱- ابن عباس، روایت می‌کند که پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «آگاه باش که خداوند تبارک و تعالی، من و امامان معصوم‌علیهم السلام را حجّت بر بندگان‌اش قرار داده است. از صلب حسین، امامانی قرار داده است که امر مرا به پا می‌دارند و وصیّت و سفارش مرا محافظت می‌کنند. امام نهم از آنان، قائم اهل بیت من و مهدی امّت من است. او، در شمائل و افعال و اقوال، شبیه‌ترین مردم به من است. وی، بعد از یک غیبت طولانی ظهور می‌کند...». [۱۰] .به این مضمون یا قریب به آن، احادیث زیادی وجود دارد که در بعضی از آن‌ها، نام ائمه‌علیهم السلام هم آمده است.۲- محمد بن مسلم،

به سند صحیح، از امام صادق‌علیه السلام نقل می‌کند که امام‌علیه السلام فرمودند:ان بلغکم عن صاحبکم غیبةٌ فلا تنکروها؛ [۱۱] .اگر از صاحب تان، غیبتی به شما رسید، آن را انکار نکنید.».۳- زراره می‌گوید، شنیدم که امام صادق‌علیه السلام فرمود:«إنَّ للقائم غیبةً قبلَ أنْ یقومَ - یا زرارهْ! - و هو المنتظر. و هو الذی یشکك فی ولادتِهِ؛ [۱۲] .قائم (عج) قبل از آن که قیام کند، غیبتی خواهد داشت، ای زراره! او، همان «منتظر» است. او، کسی است که درولادت‌اش، شکّ و تردید می‌شود.».در این روایت امام صادق‌علیه السلام از شبهه‌ی در ولادت امام مهدی‌علیه السلام خبر داده است.جعفر، عموی امام مهدی(عج) نخستین کسی بود که به سبب عدم اطّلاع بر تولّد حضرت، در ولادت امام مهدی(عج) تردید آفرینی کرد. به سبب موقعیّتهای سختی که در آن هنگام مسئله‌ی امامت را احاطه کرده بود، از انتشار خبر ولادت حضرت، به شدت ممانعت می‌شد، به نحوی که امامان معصوم‌علیهم السلام حتّی تصریح به نام امام مهدی (عج) را هم اجازه ندادند. بنابراین، جعفر، مطّلع نبود که امام حسن عسکری‌علیه السلام، فرزندی به نام مهدی(عج) دارد و به خاطر همین، آن واقعه پیش آمد و جعفر، ولادت حضرت را منکر شد.ابن حزم نیز در کتاب الفصل فی الملل والاهواء والنحل در مسئله‌ی ولادت حضرت، ابهام آفرینی کرده و گفته است:«جماعتی از شیعه، بر این عقیده‌اند که تا سال دویست و شصت هجری قمری - یعنی همان سال وفات امام حسن عسکری‌علیه السلام - مهدی (عج)، به دنیا نیامده است. [۱۳] .مجد اسعاف النشاشیبی می‌گوید: «امام حسن عسکری‌علیه السلام، فرزند پسر یا دختری به جای نگذاشت.». [۱۴] .امام صادق‌علیه السلام به زراره می‌فرماید:«و او همان منتظر و کسی است که در ولادت او شک می‌شود، بعضی می‌گویند پدرش بدون جانشین فوت کرده و بعضی می‌گویند او دو سال قبل از وفات پدر متولد شده است»در ادامه امام‌علیه السلام می‌فرماید:«ای زراره! اگر آن زمان را درک کردی، این دعا را بخوان»:«اللهم! عرّفنی نفسك، فإنّك إنْ لم تعرّفنی نفسك لم أعرفْ نبیّك.اللهمّ! عرفنی رسولك، فإنّك إنْ لم تعرّفْنی رسولك لم أعرفْ حجتك.اللهمّ! عرّفنی حجّتك، فإنَّك إنْ لم تعرّفنی حجّتك، ضللتُ عن دینی.». [۱۵] .ادعیه‌ی معروفه نبایستی فراموش شوند و از سوی ائمه‌علیهم السلام به آنها توصیه زیادی شده است:«اللهمّ کن لولیك الحجهْ بن الحسن صلواتك علیه و علی آبائه فی هذه الساعهْ و فی کلّ ساعهْ ولیّاً و حافظاً و قائداً و ناصراً و دلیلاً و عیناً حتی تسکنه ارضك طوعاً و تمتعه فیها طویلاً» [۱۶] .امامان معصومین‌علیهم السلام در این دعا به شیعیان می‌آموزند که نام مبارك حضرت‌علیه السلام را مخفی نگاه دارند و تعبیر به حجت از سوی ائمه‌علیهم السلام بیانگر نهایت حالت کتمان می‌باشد و حتی در دعای فوق به جای الحجهْ «فلان بن فلان» هم آمده است.مرحوم کلینی در کافی و شیخ طوسی در الغیبهْ و دیگران، بیش از صدها حدیث در این زمینه نقل کرده‌اند. این روایات، با توجّه به کثرت شان، متواتر بوده و قابل خدشه نیستند و اجتهاد در آن‌ها اجتهاد در مقابل نصّ است.

دیدن آن حضرت

مجموعه‌ای از روایات، از دیدن امام زمان‌علیه السلام از سوی جمعی از شیعیان خبر می‌دهند.علی رغم این که امامان معصوم‌علیهم السلام تأکید و توصیّه‌ی زیادی داشتند تا نام و خبر ولادت امام مهدی(عج) پنهان باشد و منتشر نشود، ولی دستگاه حاکم، از خلال سنّت نبوی و اخبار اهل بیت‌علیهم السلام دریافته بودند که برای امام حسن عسکری‌علیه السلام فرزندی خواهد بود که زمین را پر از قسط و عدل می‌کند و حکومت‌های ظالم، به دستان مبارك‌اش نابود می‌شوند.بنابراین، همان گونه که فرعون بر تولّد حضرت موسی‌علیه السلام آگاه بوده و مراقب زنان و قابله‌ها بود، بنی عباس هم در زمان معتمد عباسی کاملاً بر اوضاع محافظت و نظارت داشت، ولی همان گونه که حضرت موسی‌علیه السلام متولّد شد، حضرت مهدی‌علیه السلام نیز دور از چشمان جاسوسان بنی عباس، به دنیا آمد و گروهی از شیعیان خالص، توفیق پیدا کردند، در کودکی آن حضرت را ببینند.ابوالقاسم جعفری داود بن قاسم از امام هادی‌علیه السلام نقل می‌کند:یقول: «الخلف من بعدی الحسن ابنی، فکیف لکم بالخلف من بعد الخلف فقلت و لِمَ جعلنی اللّه فداك؟ قال انّکم لاترون شخصه ولایحل لکم ذکره باسمه» فقلت: فکیف نذکره؟ قال: «قولوا الحجهْ من آل محمدصلی الله علیه

وآله وسلم» [۱۷] .جانشین من پس از من فرزندم حسن است شما چگونه باشید در جانشین بعد از آن جانشین؟ عرض کردم. قربانت گردم چرا؟ فرمود: شخص او را نبینید و بردن نام او برای شما روا نباشد، عرض کردم: پس چگونه او را ذکر کنیم؟ فرمود: بگویید حجت از آل محمدصلی الله علیه وآله وسلم‌به هر حال علی رغم اینکه ائمه‌علیهم السلام تلاش نمودند که خبر ولادت حضرت منتشر نشده و مخفی بماند ولی جماعتی از شیعه موفق به زیارت حضرت مهدی‌علیه السلام شدند.شیخ کلینی، از محمد بن عبدالله و محمد بن یحیی، از عبداللّه بن جعفر حمیری، روایت کرده است که او گفت:من و شیخ ابوعمرو [۱۸] نزد احمد بن اسحاق [۱۹] بودیم. احمد بن اسحاق، با چشم به من اشاره کرد که از «جانشین» سؤال کنم. به او گفتم: «ای ابا عمرو! من می‌خواهم از تو راجع به چیزی بپرسم. البته، نسبت به آن چه که درباره‌ی آن از تو سؤال می کنم، شک ندارم، عقیده‌ی من، این است که زمین، از حجّت خالی نیست... ولی دوست دارم یقین‌ام زیاد شود. ابراهیم‌علیه السلام از خداوند خواست که به او نشان دهد چه گونه مردگان را زنده می کند. خداوند فرمود: آیا ایمان نداری؟؛ ابراهیم عرض کرد: می‌خواهم قلب‌ام مطمئن شود. احمد بن اسحاق، از امام هادی‌علیه السلام به من خبر داد و گفت: از امام، پرسیدم: با چه کسی نشست و برخاست کنم و از چه کسی مطلب اخذ کنم و قول چه کسی را قبول کنم؟. امام‌علیه السلام فرمود: «عَمری، ثقه است. هر چه از طرف من به تو رسانید، مطمئناً از من رسانده است. و هر چه از طرف من به تو گفت، مطمئناً، از جانب من می گوید. پس به حرف او گوش فرا ده و از او اطاعت کن؛ زیرا، او، ثقه و مورد اعتماد است».ابوعلی به من خبر داد که از امام حسن عسکری‌علیه السلام پرسیدم، امام‌علیه السلام فرمود: «عَمری و پسرش، ثقه هستند. پس هر چه از جانب من به تو رساندند، مطمئناً از من رسانده‌اند و هر چه به تو می گویند، مطمئناً، از طرف من می گویند. حرف آن دو را گوش کن و از آن دو اطاعت کن؛ زیرا، این دو، مورد اعتماد هستند».این، سخن دو امام در حق شما بود.».عبدالله بن جعفر گفت، ابو عمرو، سجده کرد و گریست. سپس گفت: «حاجت خود را بخواه.». به او گفتم: «آیا جانشین بعد از امام حسن عسکری‌علیه السلام را دیده‌ای؟». گفت: بله...».به او گفتم: «یک سؤال باقی ماند.». به من گفت: «بیا جلو». گفتم: «اسم او چیست؟». گفت: بر شما حرام است که از آن سؤال کنید. این را از جانب خود نمی گویم. و من، حق ندارم چیزی را حرام یا حلال کنم، بلکه این را از امام حسن عسکری می گویم. گمان حاکم و سلطان، این بود که ابا محمد وفات کرده و فرزندی به جا نگذاشته و میراث او هم تقسیم شده است. از خدا بترسید و از این کار خود داری کنید.».دلالت این حدیث، صریح بوده و قابل اجتهاد شخصی نیست. اصولیان، در مسئله‌ی حجّیت خبر ثقه، به آن استدلال کرده‌اند و شهید صدر قدس سره هم یاد آور می‌شود که: این روایت، به تنهایی، افاده‌ی یقین می کند. [۲۰] .در این جا اشکال شده است که «این روایت، خبر واحد است. چه گونه می‌توان به آن بر حجّیت خبر واحد استدلال کرد؟ این گونه استدلال کردن، دور است.».شهید صدر گفته است، این روایت، افاده‌ی یقین می کند؛ زیرا، هر زمانی که شیخ کلینی، خبری را نقل کند و بگوید: «أخبرنی»، در خبرش تردیدی نیست.مرحوم کلینی، این خبر را از محمد بن عبدالله و محمد بن یحیی عطار که هر دو از بزرگان شیعه هستند و احتمال کذب ایشان نمی‌رود نقل کرده است. عبداللّه بن جعفر حمیری هم از بزرگان است. [۲۱] .حکیمه، دخت گران مایه‌ی امام جوادعلیه السلام هم داستان مشهوری را نقل می کند که به بخشهایی از آن، اشاره می‌شود:حسن به علی، کسی را به نزد من فرستاد و فرمود: «عمه جان! امشب که نیمه‌ی شعبان است، در منزل ما افطار کن؛ زیرا، خداوند تبارک و تعالی، امشب، تو را با ولیّ و حجّت خود بر خلق‌اش و جانشین بعد از من، مسرور می کند.». حکیمه گفت: «به خاطر آن، بسیار مسرور شده و فوراً لباس پوشیده و در همان ساعت از منزل خارج شده تا به محضر ابی محمد شرفیاب شدم. او، در صحن خانه‌اش نشسته بود و کنیزان‌اش گرداگرد او بودند. گفتم: «فدایت شوم ای آقایم! جانشین تو از چه کسی متولّد می‌شود؟». امام‌علیه السلام فرمود: «از سوسن». [۲۲] .حکیمه گفت:«وقتی نماز مغرب و عشاء را خواندم، سفره را آوردند و من و سوسن، افطار کردیم. با سوسن، در یک اتاق خوابیدیم. خواب کوتاهی رفتم و بیدار شدم. و پیوسته، در فکر آن چیزی بودم که ابو محمّد از امر ولیّ الله به من وعده داده بود.قبل از زمانی که هر شب برای نماز شب بیدار می‌شدم، بیدار شدم و نماز شب را

خواندم. تا به نماز وتر رسیدم، سوسن، ترسان از جا پرید و ایستاد و ترسان خارج شد. وضو گرفت و برگشت و نماز شب را خواند تا به نماز وتر رسید، به دلم الهام شد که فجر نزدیک است. بلند شدم تا نگاه کنم دیدم فجر اوّل طلوع کرده است.در دلم، نسبت به وعده‌ی ابی محمدعلیه السلام شك و تردید افتاد. امام، از حجره‌اش به من ندا داد که: «شك نکن که در همین ساعت، تو، به مطلب می‌رسی.».حکیمه گفت:«از ابی محمدعلیه السلام به سبب آن چه در قلب‌ام خطور کرد، خجل شده و شرم کردم. خواستم برگردم که ناگهان سوسن، نماز را قطع کرده و ترسان خارج شد. نزد او رفتم. به او گفتم: «پدر و مادرم فدایت باد! آیا چیزی درک می‌کنی؟». گفت: «بله.». گفتم: «إن شاء الله، ترسی برای تو نیست.». بالشی برداشتم و در وسط خانه گذاشتم. و او را به گونه‌ای که آماده‌ی زایش باشد، بر روی آن نشاندم. او را فشار دادم، به گونه‌ای که ناله‌ی شدیدی کرد. تشهّد گفتم، در این حال، ولیّ خدا را دیدم که سجده کنان بر روی زمین است.». [۲۳] .شیخ طوسی، حدیثی نقل کرده می‌گوید:چهل مرد از شیعیان دارای وجاهت، در خانه‌ی امام حسن عسکری‌علیه السلام جمع شدند تا از حجّت بعد از امام حسن عسکری سؤال کنند. عثمان بن سعید عمری قیام کرد، گفت: «ای پسر رسول خدا! می‌خواهم از شما راجع به چیزی سؤال کنم که شما نسبت به آن، از من عالم‌تر هستی.». امام به او فرمود: «ای عثمان! بنشین.».عثمان، ناراحت شد و خواست که خارج شود. امام فرمود: «هیچ کس خارج نشود.». پس هیچ کس از ما خارج نشد. پس از لحظاتی، امام عسکری‌علیه السلام عثمان را صدا کرد. عثمان، روی زانو ایستاد. امام فرمود: «آیا شما را خبر دهم که برای چه آمده‌اید؟». گفتند: «ای پسر رسول خدا! بله.». امام فرمود: «آمده‌اید تا از حجت بعد از من سؤال کنید؟». گفتند: «آری.». در این حال، پسری که مثل قرص ماه بوده و شبیه‌ترین مردم به ابی محمدعلیه السلام بود، وارد شد. امام حسن عسکری فرمود: «این پسر، پس از من، امام شما، و جانشین من بر شما است. از او اطاعت کنید و بعد از من متفرق نشوید که در دین‌تان هلاك می‌شوید. آگاه باشید که بعد از این روز، شما، او را نمی‌بینید تا عمر او تمام شود.هر چه عثمان می‌گوید، قبول کنید و در امورتان به او مراجعه کنید. سخن او را بپذیرید که او، جانشین امام شما است و امر به دست او است.». [۲۴] .

روشن بودن ولادت حضرت نزد شیعه

اعتقاد به ولادت حضرت امام مهدی(عج) نزد آحاد شیعیان، روشن و بدیهی است. بنا به گفته‌ی تاریخ و روایات، تفکّر و اندیشه‌ی مهدویّت و غایب بودن ایشان از دیدگان، از همان اوائل اسلام، متداول و یك امر بدیهی به شمار آمده است.از همین رو است که فرقه‌ی ناووسیه، مدعی بودند که امام صادق‌علیه السلام همان امام پنهان است، ولی پس از وفات امام صادق‌علیه السلام بطلان این عقیده روشن شد.نیز فرقه‌ی واقفیّه، ادعا کردند که امام موسی بن جعفرعلیه السلام، همان امام مهدی(عج) است. البته سزاوار نیست این دعاوی و یاوه‌سرایی‌ها موجب تضعیف مهدی باوری شود بلکه عامل تقویت این ایده می‌باشد، زیرا این موارد، بر بدیهی بودن اندیشه‌ی مهدویّت نزد تمام آحاد شیعیان، دلالت دارند، و برای همین بود که نسبت‌های غیر صحیح مهدویت به سایر ائمه‌علیهم السلام می‌دادند.شیخ طوسی، در کتاب الغیبهٔ تعدادی از وکیلان مذموم را نام می‌برد. از جمله محمد بن نصیر نمیری و احمد بن هلال کرخی و محمد بن علی بن ابی العزاقر شلمغانی و.... او، بیش از ده تن از مدّعیان دروغین وکالت و سفارت از جانب امام مهدی(عج) را نام می‌برد که مورد لعن و برائت شیعه واقع شده‌اند.این موارد هم موجب تضعیف قضیه مهدویت و ولادت یافتن و پنهان شدن امام‌علیه السلام از دیدگان نمی‌شود بلکه در حقیقت سبب قوّت بخشیدن به مهدی باوری و تولد و غیبت او می‌باشند زیرا دلالت دارند بر این‌که این ایده (بین شیعه) ثابت و واضح بوده است و یاوه سرایی‌ها و ادعاهای دروغین این افراد به دلیل بداهت و ثبوت این عقیده بوده است.

سفراء و توقیعات

در تاریخ شیعه، قضیّه‌ی چهار سفیر امام‌علیه السلام و صدور توقیعات از جانب آنان، بسیار روشن و بدیهی است. از زمان علی بن الحسین (پدر شیخ صدوق) و مرحوم کلینی (هم عصر سفراء) تا حال، کسی در این قضیّه تردیدی به خود راه نداده است و در این زمان هم هیچ شیعه‌ای، در مقام و منزلت این سفراء، تردیدی نداشته و احتمال کذب آنان را نمی‌دهد.سفرای چهار گانه، عبارت‌اند از:۱- ابوعمرو عثمان بن سعید؛ایشان، فروشنده‌ی روغن بودند. شیعیان، نامه‌ها و اموال را به سوی او ارسال می‌کردند و ایشان هم جهت پنهان کاری، آن‌ها را در ظرف قرار می‌داد. و برای امام می‌فرستاد.ایشان، وکیل امام هادی‌علیه السلام و امام حسن عسکری‌علیه السلام و بعد از آن دو بزرگوار، سفیر امام مهدی(عج) بود.۲- محمد بن عثمان بن سعید؛۳- حسین بن روح نوبختی؛۴- علی بن محمد سمری.توقیعات فراوانی از ناحیه‌ی این سفیران، صادر شد. تعدادی از آن‌ها در کمال الدین و الغیبهٔ موجود است.مسئله‌ی سفیر بودن و توقیعات آن‌ها، دلیل و شاهدی محکم برای تصدیق مقوله‌ی مهدویّت و ولادت امام‌علیه السلام و غایب بودن ایشان از دیدگان است.

نظارت و مراقبت دستگاه خلافت

در کتاب‌های تاریخی امامیّه و غیر امامیّه، آمده است که آن هنگام که معتمد عباسی شنید که برای امام حسن عسکری‌علیه السلام فرزندی متولّد شده، مأموران‌اش را به خانه‌ی امام فرستاد و تمامی زنان امام را دستگیر و بازداشت کردند تا بدانند فرزند از آنِ کدام یک است.البته، بعضی از تواریخ نقل می‌کنند که این جریان، به راهنمایی و ارشاد جعفر، عموی امام مهدی(عج) بوده است.بنابراین، نظارت و مراقبت دستگاه حاکم، قرینه‌ی روشن و آشکار بر وقوع ولادت حضرت‌علیه السلام است؛ زیرا، در غیر این صورت، انگیزه‌ای برای این همه مراقبت و نظارت نبوده است. [۲۵] .

اعتراف تاریخ نگاران و تبارشناسان غیر شیعی

کلمات تاریخ نگاران و تبارشناسان غیر شیعی در ولادت امام مهدی(عج)، در نهایت وضوح است.۱- ابن خلکان می‌گوید:«به اعتقاد امامیّه، ابوالقاسم محمّد بن حسن العسکری، امام دوازدهم است که به «حجّت» شهرت دارد و در روز جمعه، نیمه‌ی شعبان سال دویست و پنجاه و پنج، متولّد شده است.». [۲۶] .۲- ذهبی می‌گوید:«شیعیان، معتقدند که پسر امام حسن عسکری‌علیه السلام یعنی محمّد بن الحسن قائم و جانشین و حجّت است. ایشان، در سال دویست و پنجاه و هشتم و بنا به قولی، در سال دویست و پنجاه و شش، متولّد شده است.». [۲۷] .۳- ابن حجر هیتمی می‌گوید:«امام حسن عسکری، غیر از ابی القاسم محمّد الحجهٔ، فرزندی به جا نگذاشت و آن هنگام که پدر بزرگوارش وفات یافت، او، پنج سال داشت.». [۲۸] .۴- خیر الدین زرکلی می‌گوید:«در سامراء متولّد شد و در سن پنج سالگی، پدرش وفات کرد.». [۲۹] و [۳۰] .

اتفاق شیعه

از زمان کلینی و پدر شیخ صدوق تا الآن، تمام آحاد شیعیان، بر ولادت و پنهان بودن حضرت‌علیه السلام وحدت نظر و اتّفاق دارند. این ایده، از اصول مذهب شیعه است و در تمام اعصار شیعه، هیچ کس را نیافته‌ایم که در ولادت یافتن و غیبت حضرت، شک و تردید داشته باشد.

حساب احتمالات

خلاصه‌ی سخن این که یا تواتر این اخبار را می‌پذیریم که در این صورت حقّ اجتهاد شخصی را نداریم و باید «نصّ» را بپذیریم و یا

این که تواتر این اخبار را قبول نداریم، ولی با ضمیمه کردن آن هشت قرینه و عاملی که بیان شد برای ما روشن می‌شود که آن روایات، طبق حساب احتمالات، درست و صحیح است.

پاورقی

[۱] الصف: ۸.

[۲] ر.ک تفاسیر آیات ذیل: ۱- قصص: ۵؛ ۲- نور: ۵۵؛ ۳- طه: ۱۱۵؛ ۴- لقمان: ۲۰؛ ۵- زخرف: ۲۸؛ ۶- آل عمران: ۸۳؛ ۷- حج: ۴۱؛ ۸- ممتحنه: ۱۳؛ و...

[۳] مسند احمد، ج ۱، ص ۳۷۷، ح ۳۵۶۳.

[۴] مسند احمد، ج ۳، ص ۳۶، ح ۱۰۹۲۰؛ کنزالعمال، ج ۱۴، ص ۲۷۱، ح ۳۸۶۹۱.

[۵] از دیگر روایات سنت نبوی می‌توان احادیث ذیل را ذکر کرد الف) عن ابی نضرة عن ابی سعید الخدری عن رسول الله: یکون بعدی خلیفة یحثی المال حثیاً ولایعدهُ عداً. (مسند احمد: ۳: ۴۸) ب) عن ابی نضرة عن ابی سعید الخدری، قال: قال رسول الله: المهدی منی اجلی الجبهة أقنی الأنف، یملاء الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً و یملک سبع سنین. (مسند ابی داوود: ۴: ۱۵۲) ج) عن ابی الصدیق الناجی عن ابی سعید الخدری أن رسول الله قال: یخرج فی آخر أمتی المهدی یسقیه اللّه الغیث و تخرج الارض نباتها، و یعطی المال صحاحاً، و تکثر الحاشیة و تعظم الأمة، و یعیش سبعاً أو ثمانیاً یعنی حججاً. (المستدرک علی الصحیحین ۴: ۵۵۷) د) عن ابی سعید الخدری عن رسول الله: لتملأن الارض ظلماً و عدواناً ثم لیخرجنّ رجلٌ من اهل بیتی یملأها قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و عدواناً. (ینابیع الموده: ۴۳۱) ذ) عن ابی سعید الخدری عن رسول الله: فیجیء الیه الرجل فیقول: یا مهدی أعطنی. قال: فیحثی له فی ثوبه ما استطاع اَن یحمله: (منتخب الاثر، ص ۳۱۱، عن مصابیح السنه). ر) عن ابی سعید عن رسول الله: منا الذی یصلی عیسی بن مریم خلفه. (الامام المهدی من الولادة الی الظهور، علی محمد علی دخیل، ۱۲۱). همچنین ر.ک ۱- تحفة الأحوذی / الامام الحافظ ابی العلی محمد عبدالرحمن بن عبدالرحیم، ج ۶، ص ۴۸۴، باب ۴۴، ما جاء فی المهدی. ۲- عون المعبود فی شرح سنن ابی داوود / علامه ابی الطیب محمد ثمن الحق العظیم آبادی، جزء ۱۱، ص ۳۶۱، ح ۴۲۵۹ الی ۴۲۶۵. ۳- الفتاوی الحدیثة / شهاب الدین ابن حجر الهیتمی، ص ۳۷، مطلب فی ذکر الهدی و بعض علامات الساعة. ۴- کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال / علاء الدین علی المتقی، ج ۱۴، ص ۳۸۹، ح ۳۸۶۵۱ الی ۳۸۷۰۹. ۵- المهدی المنتظر / ابوالفضل عبدالله بن محمد بن الصدیق الحسنی متوفی (۱۳۸۰). ۶- المصنف فی الأحادیث و الآثار / ابن ابی شیبة، ج ۱۵، ص ۱۹۶، ح ۱۹۴۸۴ به بعد. ۷- سنن ابن ماجة، ج ۲ / ص ۲۹، باب خروج المهدی، ح ۴۰۸۲ الی ۴۰۸۸. ۸- سنن ابی دائود، ج ۴، ص ۳۷، ح ۴۲۷۹ کتاب المهدی تا ۴۲۸۵. ۹- سنن الترمذی، ج ۴، ص ۴۳، باب ما جاء فی المهدی، ح ۲۲۳۰ - ۲۲۳۲. ۱۰- المعجم الکبیر / ابوالقاسم، سلیمان بن احمد بن ایوب بن نصیر اللخمی الطبرانی، ج ۱۰، ص ۵۵، ح ۱۰۲۱۳ - ۱۰۲۳۰.

[۶] الصواعق المحرقه، ص ۲۴۹.

[۷] المستدرک للحاکم، ج ۳، ص ۱۰۹؛ المعجم الکبیر، الطبرانی، ج ۵، ص ۱۶۶، ح ۴۹۶۹؛ تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۴۴۲.

[۸] کمال الدین، ص ۲۷۲؛ الغیبة، طوسی، ص ۱۲۸؛ صحیح بخاری، ج ۹، ص ۷۲۹؛ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۲۲۰، ح ۱۸۲۱، مسند احمد ۵: ۹۰.

[۹] کمال الدین، ۴۰۹، ح ۹؛ الکافی، ج ۱، ص ۳۷۷، ح ۳؛ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۲۳۹، ح ۱۸۵۱؛ مسند الطیالسی، ص ۲۵۹.

[۱۰] کمال الدین، ص ۲۵۷، ح ۲؛ کفایة الاثر، ص ۱۰.

[۱۱] الکافی، ج ۱، ص ۳۴۰، ح ۱۵؛ الغیبة، طوسی، ص ۱۶۱، ح ۱۱۸.

[۱۲] کمال الدین، ص ۳۴۲، ح ۲۴.

[۱۳] ابن حزم می گوید: البته به نظر ما هرگز امام مهدی خلق نشده است.

[۱۴] الإسلام الصحیح، ص ۳۴۸.

[۱۵] کمال الدین، ص ۳۴۲، ح ۲۴.

[۱۶] الکافی، ج ۴، ص ۱۶۲.

[۱۷] کمال الدین، ص ۳۸۱، ح ۵.

[۱۸] عمروبن‌عثمان بن سعید العمری السّمان.

[۱۹] احمدبن اسحاق القمی الأشعری المعروف بالوثاقة.

[۲۰] (البته شهید صدر آن روایت را به مناسبت حجیت خبر ثقه ذکر می‌کند نه به مناسبت امام مهدیّ).

[۲۱] عبدالله بن جعفر حمیری مستقیماً از سفیر اول نقل می‌کند که سفیر اول فرمود: من با چشمان خود حضرت را دیدم.

[۲۲] مؤلف: نام مادر حضرت در بعضی روایات سوسن آمده و در بعضی دیگر نرجس ولی شایسته نیست کسی به این اختلافاتی که در روایات آمده تمسک کرده و بگوید این روایات به سبب متفاوت بودن محتوای آنها قابل پذیرش نیستند.

[۲۳] الغیبهٔ، طوسی، ص ۲۳۴، ح ۲۰۴.

[۲۴] اسامی ذیل از جمله کسانی هستند که به زیارت حضرت نائل آمده‌اند: ۱- ابراهیم بن مهزیار: سفینهٔ البحار، ۲: ۷۰۴ ۲- ابن اُخت ابی بکر العصار الصوفی: منتخب الاثر، ۳۸۱ ۳- ابوجعفر الأحول الهمدانی: منتخب الاثر ۳۷۹ ۴- ابوالحسن الحسینی: منتخب الاثر، ۳۸۰ ۵- ابوالحسن العمری: منتخب الاثر، ۳۸۰ ۶- ابوالحسن بن کثیر النوبختی: منتخب الاثر، ۳۸۰ ۷- ابوالقاسم الروحی: تبصرهٔ الولی، ۲۰ ۸- ابوالهیثم الأنباری: منتخب الاثر، ۲۷۹ ۹- احمد بن ابراهیم بن مخلد: منتخب الاثر، ۳۸۰ ۱۰- احمد بن ابی روح: منتخب الاثر، ۳۸۰ ۱۱- احمدالدینوری: تبصرهٔ الولی ۲۳۰ ۱۲- احمد بن سور: منتخب الاثر، ۳۸۰ ۱۳- ابوالطیب احمد بن محمد بن بطه: منتخب الاثر ۳۸۱ ۱۴- احمد بن محمد السراج الدینوری: منتخب الاثر ۳۸۰ ۱۵- جاریهٔ ابی علی الخیزرانی: تبصرهٔ الولی ۷ ۱۶- الحسن بن الحسین الاسباب ابادی: منتخب الاثر ۳۸۰ ۱۷- الحسن بن جعفر القزوینی: منتخب الاثر ۳۸۰ ۱۸- راشد الأسد آبادی: سفینهٔ البحار ۲: ۷۰۴ ۱۹- ابوالحسن خضر بن محمد: منتخب الاثر ۳۸۰ ۲۰- الحسن بن عبدالله التمیمی الزیدی: تبصرهٔ الولی، ص ۲۴ ۲۱- الحسین بن حمران: منتخب الاثر ۳۸۰ ۲۲- عبد احمد بن الحسن المادرانی: منتخب الاثر ۳۸۰ ۲۳- ابوطاهر علی بن یحیی الرازی: منتخب الاثر ۳۸۰ ۲۴- محمد بن احمد: منتخب الاثر ۳۷۰ ۲۵- نصر بن صباح: منتخب الاثر ۳۸۰ ۲۶- یوسف بن احمد الجعفری: الزام الناصب ۱: ۳۷۹ ۲۷- یمان بن الفتح بن دینار: الزام الناصب ۱: ۳۶۲ ۲۸- ابا نصر ظریف‌الخادم: اصول کافی، ج ۱، باب فی تسمیهٔ من رآه، ص ۲۶۷، ح ۱۳. ۲۹- نسیم جاریهٔ: الثاقب فی المناقب / ص ۲۰۳ ۳۰- سعد بن عبدالله بن ابی خلف: الثاقب فی المناقب/ ص ۵۸۵ ۳۱- عمروالاهوازی: تقریب المعارف فی الکلام / ص ۱۸۴ ۳۲- الازدی: الثاقب فی المناقب، ص ۶۱۳ ۳۳- رشیق حاجب المادرای: الخرائج والجرائح، ج ۱ / ص ۴۶۰. ۳۴- علی بن ابراهیم بن مهزیار: دلائل الامامهٔ / ص ۲۹۶ ۳۵- احمد بن اسحاق: کمال الدین و تمام النعمهٔ، ج ۲، ص ۳۸۴ ۳۶- ابراهیم بن ادریس ابواحمد: الغیبهٔ شیخ طوسی، ۲۶۸ ۳۷- ابراهیم بن عبده النیشابوری: الارشاد، ۲: ۳۵۱ ۳۸- اسماعیل بن علی النوبختی: الغیبهٔ، ۲۷۲/ ۲۳۷ ۳۹- عبدالله بن صالح: الکافی، ۱: ۳۳۱ ۴۰- غانم ابوسعید الهندی: کافی ۱: ۵۱۵ ۴۱- کامل بن ابراهیم المدنی: الغیبهٔ ۲۴۷/۲۱۶ ۴۲- عبدالله السوری: کمال الدین ۲:۴۴۱ ۴۳- وکلاء امام مهدی (عج) ۴۴- خدام و کنیزان حضرت.

[۲۵] کتابهای تاریخ طبری و غیره بیانگر آن هستند که معتمد کینه و عداوت شدیدی نسبت به اهل بیت‌علیهم السلام داشت، او بعد از وفات امام حسن عسکری‌علیه السلام شخصاً به جستجو برای یافتن حضرت پرداخت و دستور داد. کنیزان امام حسن عسکری را

بازداشت کردند البته گفتنی است که جعفر کذاب هم به طمع نیل به منزلت برادرش او رایاری می کرد. لازم به ذکر است که معتز و مهدی از خلفای قبل، معتمد را به مسألهی ولادت حضرت آگاه کرده بودند و لذا امام حسن عسکریعلیه السلام تلاش زیادی کرد که خبر ولادت حضرت منتشر نشود.

[۲۶] وفیات الأعیان، ج ۴، ص ۱۷۶، رقم ۵۶۲.

[۲۷] تاریخ الاسلام، ج ۱۹، ص ۱۱۳، ص ۱۵۹.

[۲۸] الصواعق، ص ۲۵۵ و ۳۱۴.

[۲۹] الاعلام، ج ۶، ص ۸۰.

[۳۰] از دیگر علماء اهل سنت که اعتراف به ولادت حضرت کردهاند می‌توان افراد ذیل را نام برد. ۱- ابن الوردی: «وُلِدَ محمد بن الحسن الخالص سنهٔ خمس و خمسین و مأتین». نورالابصار: ۱۸۶ ۲- الشبراوی الشافعی: ایشان در کتاب الاتحاف به ولادت امام مهدی در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری تصریح کرده است. الاتحاف بحبّ الاشراف: ۶۸ ۳- مؤمن بن حسن الشبلنجی: بنابر عقیدهی امامیه ایشان آخرین امام از ائمهی اثنا عشر است. نورالابصار / ۱۸۶ ۴- ابن الأثیر الجزری، عزالدین: ایشان در کتاب الکامل فی التاریخ در ضمن حوادث سال «۲۶۰» می‌گوید: در این سال ابومحمد علوی عسکری وفات کرده، ایشان بنا بر نظر امامیه یکی از ائمهی اثنا عشر می‌باشد و او پدر همان محمد است که شیعه معتقدند او مهدی منتظر است. «الکامل فی التاریخ، ۷: ۲۷۴».

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بندهای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در

نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹